



Analyzing the Effect of the Aesthetic Features of the Quran on the Purposefulness of the Revealed Messages

Mohammad Taheri Gandomani¹, Mohamadreza Hajiesmaili^{2*}, Mehdi Moti³

Abstract

A detailed understanding and examination of the aesthetic aspects of the Holy Quran has a very surprising and significant effect on the practical application of the concepts of this divine book in such a way that the audience of the Quran with any level of thinking and understanding can, by making their thoughts as fertile as possible, achieve effects New and attractive to understand the beauty of God's word and benefit from it. Since the work of art is the origin of the artist and the artist is the origin of the work of art, therefore, by using this principle in this research, an attempt was made to process examples of the verses of the Holy Quran as a symbol of artistic creation, common and effective elements. Regarding the aesthetics of the revelation verses, of course, examining the image in terms of context and context and providing the desired meaning, realizes the unity of the artistic image in the unity of the text. At the end, Motaqan theories explain the aesthetic aspects of the Qur'an by looking at the two poles of objectivity and subjectivity and tries to show the aesthetic signs of the Qur'an along with the reflection of the beauty of creation and awakening the sense of the beauty of friendship in its audience.

Keywords: Aesthetics, Dimensions of the beauty of the Quran, Objective, Subjective

How to Cite: Taheri Gandomani M, Hajiesmaili M, Moti M., Analyzing the Effect of the Aesthetic Features of the Quran on the Purposefulness of the Revealed Messages, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(55):406-420.

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Education of Ahl al-Bayt (AS), Isfahan University, Isfahan, Iran

3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Education of Ahl al-Bayt (AS), Isfahan University, Isfahan, Iran



واکاوی تاثیر وجوه زیبایی شناختی قرآن بر هدفمندی پیام های وحیانی

محمد طاهری گندمانی^۱، محمدرضا حاجی اسماعیلی^{۲*}، مهدی مطیع^۳

چکیده

شناخت دقیق و بررسی جنبه های زیبایی شناختی قرآن کریم تأثیر بسیار شگفت و بسزایی در کاربردی شدن مفاهیم این کتاب الهی دارد به گونه ای که مخاطب قرآن با هر سطح از تفکر و و دک و فهمی که باشد می تواند با هرچه بارورتر کردن اندیشه خویش به جلوه هایی جدید و جذاب از زیبایی های کلام الهی پی برده و از آن بهره مند گردد. از آنجا که اثر هنری، مبدأ هنرمند است و هنرمند، مبدأ اثر هنری، بنابر این با بهره گیری از این اصل در این پژوهش کوشش گردیده تا با پردازش زبانی نمونه هایی از آیات قرآن کریم به عنوان نمادی از خلق هنری، عناصر مشترک و موثر در باب زیبایی شناسی آیات وحیانی را به تصویر درآورد، البته بررسی تصویر از حیث بافت و سیاق و ارائه معنای مطلوب، وحدت تصویر هنری در وحدت متن را محقق می سازد. در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی و تکیه بر آیات الهی و نظریات متقن در پایان ابعاد زیبایی شناسی قرآن را با نگاه به دو قطب عینیت و ذهنیت تبیین نموده و تلاش دارد تا نشانه های زیبایی گرایانه قرآن را همراه با انعکاس جمال آفرینش و بیدار سازی حس زیبایی دوستی در مخاطبین خویش نمایان سازد.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل بیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

واژگان کلیدی: زیبایی شناختی، قرآن کریم، ابعاد زیبایی قرآن، نظام آفرینش، عینی، ذهنی

مقدمه و بیان مسئله

کیفیت سخن خداوندی و مفاهیم وحیانی برآستی شیواتر از هر سخن و کلام دیگری است. از مهمترین مبانی زیبایی‌شناسی زبان قرآن، تاکید بر هدفمندی است؛ زیرا اساس دعوت قرآن هدایت و دل دادن مخاطب به پیامهای الهی و معنوی است، از این رو نمی‌توان زیبایی در اسلوب و مفهوم متن وحیانی قرآن را تنها در ساختار محدود مادی و هنری تعریف کرد. اگر چه در قرآن عبارتهای زیبا و دلنشینی بیان شده و تمامی اصول و تکنیکهای سخن به کار رفته، اما آن گاه می‌توان درباره جنبه زیبایی زبان قرآن سخن گفت که از اصل هدفمندی و زیبایی برای تاثیرگذاری بر مخاطب غافل نبود (ایازی، ۱۳۸۵، ۱۰۲-۵۲). نمونه اینکه درباره داستانهای قرآن آنگاه که از بعد هنری آن سخن گفته می‌شود و محتوای این داستانها در قالب عبارات زیبا برجسته می‌شود، این به این معنا نیست که زیبایی آن تنها در داستان‌سرایی و جلوه‌های ادبی و هنری آن نهفته است، بلکه داستانهای قرآن را باید با تاکید بر روش آموزشی و بیان اندرزها و ذکر عقاید و اخلاق ضمیمه کرد؛ زیرا این داستانها متناسب با شأن این کتاب بیان شده و بر این اساس رویدادهای واقعی در آن ترسیم گردیده است (فتوحی، ۱۳۹۲، ص ۱۴). از این رو به نظر می‌رسد وجه زیبایی شناختی زبان قرآن بویژه در نقل اخبار گذشتگان تنها مبتنی بر زیبایی‌های حاکم بر الفاظ آن نبوده بلکه همگام با هدفمندی در جای جای آن داستانها و حضور جدی معنا و مفهوم معنوی توجیه‌پذیر است. اما از نگارش عای مرتبط با این موضوع می‌توان به مقاله‌ی "زیبایی‌شناسی کلام وحیانی قرآن کریم" به خامه‌ی موسوی لری و یاقوتی اشاره نمود. در این مقاله، نویسندگان در گستره‌ای از مطالعات میان رشته‌ای، به روش تحلیلی-تطبیقی و با تکیه بر کلام وحیانی قرآن کریم کارکردها، روابط و وجوه اشتراک و افتراق زیبایی‌شناسی و هنر دینی را بیان نموده‌اند. (موسوی لری و یاقوتی، ۱۳۹۳، ص ۱۸-۵). همچنین در تحقیق دیگری با عنوان "بازتاب لطافتها و ظرافتهای زبانی و ادبی قرآن در ترجمه" نویسندگان مقاله بدین نتیجه دست یافتند که هر زبان داری ویژگیها، ظرافتها و لطافت‌هایی است که ویژه همان زبان است و چه بسا در حین ترجمه این لطافتها و ظرافتها ناپدید شود؛ اما به نظر می‌رسد در عین حال هر زبان دارای ابزارها و وسایلی است که میتواند بسیاری از لطافتها و ظرایف زبان مبدأ را منعکس نماید (شهبازی و شیرازی، ۱۳۹۲، ص ۹۲-۷۱). و در پژوهشی دیگر با عنوان "تحلیل زیبایی شناختی تصویرهای هنری در قرآن مطالعه موردی سوره فصلت" پژوهشگران بدین نتیجه رسیده که قرآن کریم منشوری آسمانی سرشار از جلوه‌های زیبایی، جذاب و پویاست و یکی از این جلوه‌ها، صحنه‌ها و تصویرهای هنری شگرف و نفیس آن است که هر یک به روشنی، پرده از جمال خالق همه زیبایی‌ها بر می‌دارد. این مصحف

شريف با به كارگيرى يك رشته الفاظ و تعابير ظاهراً ساده، گاه صحنه هايى باشكوه و تصاويرى زيبا ارائه مى دهد كه مى تواند ضمن برانگيختن احساسات و عواطف آدمى، عقل و اندیشه وي را نيز به تكاپو وا دارد. (سیدی و خلف، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲-۱۱۷) يادآور مى گردد پژوهش حاضر بر شناخت و بررسى جنبه‌های زيبايى شناختى قرآن و تاثير بسزای آن در کاربردی کردن مفاهيم قرآن تاکيد ورزیده به گونه‌ای كه مخاطب قرآن با هر سطح از اندیشه و تفكر مى تواند برای هر چه بارورتر کردن تفكر خویش در فهم آیات قرآنی به جلوه‌هایی جديد از زيبايی‌های قرآن پی ببرد. از آنجا كه اثر هنرى مبدأ هنرمند است و هنرمند مبدأ اثر هنرى، اين پژوهش با پرداختن به قرآن به عنوان نمودی از خلق هنرى مى كوشد عناصر مشترك و مؤثر در باب زيبايی‌شناسی آیات را در قالبی نو به تصوير بكشد. بدین ترتیب، بررسى تصوير، از حيث بافت و سياق در ارائه معنای مطلوب و الگوی برتر انسانی، كامل مى‌گردد تا بدین وسیله وحدت تصوير هنرى در وحدت متن به تحقق برسد.

بررسی تاثير زيبايی شناختی در فهم متن

نظريه قصدگرایی زمانی تنها هدف فهم متن شناخته مى‌شد، ولی اين دیدگاه امروزه جای خود را به زيبايی شناختی متن داده است. بر طبق اين نظريه غایت و كمال قرائت متن در به حداكثر رساندن وجوه معنایی آن و پيش فرض اصلی اين رویکرد و هدف تفسیری آن است، از اين روست كه كثرت و تنوع احتمالات معنایی يك متن، نشانگر غنا و پرمایگی ظرفیت زيباشناختی آن است (طیب حسینی، ۱۳۸۸، ۳۱). نظريه‌پردازان مكتب كنستانس، ولفانگ آيزر و هانس روبرت ياس مبانی اندیشه‌های خود را با نام كلي «زيبايی‌شناسی دريافت» ارائه کرده و دیدگاه ایشان در تقابل با تاريخ سنت ادبی قابل ارزیابی است. دیدگاه غالب در سنت ادبی آن است كه از منظر مؤلف به متون ادبی نگریسته مى‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴، ۲۱). حال آنكه زيبايی‌شناسی دريافت، ادبیات را بر اساس به رسمیت شناختن منظر مصرف‌کننده و خواننده اين متون فهم مى‌كند. براساس «زيبايی‌شناسی دريافت» ارزش زيبايی‌شناختی يك اثر به میزان فراتر رفتن آن از افق انتظارات خواننده بستگی دارد و چنانچه اثری بر انتظارات معمول خواننده تعدی نکند، ارزش زيبايی‌شناختی كمتری دارد. مبنای نظر آيزر در كتاب «كنش خواندن» چنین است كه تأویل‌كنندگان دگرگون مى‌شوند و همپای آنان نيز اثر متفاوت مى‌شود. خواندن، هر بار زاینده معنایی تازه است و هر متن درخود چیزی تعريف‌ناپذير و ناشناخته دارد كه خواننده به گمان خود آن را كشف مى‌كند (احمدی، ۱۳۸۸، ۶۸۵).

بررسی نظریه زیبایی شناسی دریافت

به لحاظ نظری می‌توان نظریه دریافت را به دو شکل افراطی و معتدل ترسیم کرد که در شکل افراطی، معنا صرفاً محصول کنش خواندن و عمل خواننده است و مؤلف یا متن، نقشی در معنا ندارد. نتیجه این دیدگاه آزادی کامل خواننده است و اصطلاح مفسر محوری می‌تواند ناظر به این دیدگاه باشد؛ اما در شکل معتدل، معنا محصول مشترک مؤلف با متن از یک سو و مفسر از سوی دیگر است. در این دیدگاه مفسر آزادی کامل ندارد و محدود به چارچوب و ساختار متن است (هوی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷-۳۱۶). با عنایت به تعریفی که از نظریه ارزش زیباشناختی و نظریه دریافت ارائه شد، اهم پیش‌فرض‌های این رویکرد و هدف تفسیری را می‌توان در سه دسته خلاصه کرد:

۱. کثرت و تنوع احتمالات معنای یک متن، نشانگر غنا و پرمایگی ظرفیت زیباشناختی آن است؛ بنابراین نظریه ارزش زیبایی شناختی در فضای تکثر معنا مطرح می‌شود. تکثر در این نظریه به این معنا است که لزوماً الفاظ معنای واحدی ندارند؛ اما تمامی معانی متنی آن نیز ضرورتاً مقصود صاحب متن یا معنای صحیح نیست.

۲. همه مراتب هستی واجد زیبایی‌اند، عیناً و آدمی مدرک زیبایی است ذهناً. ازسویی دیگر زیبایی در دریافت نامتعیّن است و همه به زیبایی به یک شکل نمی‌نگرند؛ بنابراین میزان فهم زیبایی با هنر دیدن ناظر زیبایی ارتباط مستقیم دارد (مطیع، ۱۳۹۱، ۳۱۳-۳۱۲). در نتیجه این نوع زیبایی دو قطبی و آمیزه‌ای از ذهنی و عینی است و در به وجود آمدن آن ویژگی‌های شیئی و ذهنیت دریافت‌کننده آن لازم است. از این رو نسبی است و با توجه به ذهنیت‌های گوناگون برداشت‌های گوناگونی از آن پدید می‌آید.

۳. در ذهنی‌گرایی افراطی اعتقادداشتن به نیت مؤلف پیش‌فرض اصلی چنین رویکردی است. مضمون اخیر را می‌توان در دانش تفسیر گرایی تأویلی گادامر دانشمند اواخر قرن نوزدهم یافت، چرا که او را به عنوان مؤسس هرمنوتیک نسبی گرا با یک نگرش روش‌شناسانه می‌شناسند. ایشان معتقد است فهم هر متن بر اساس سنت هر کس است. به این صورت که هر کس در متن یک تاریخ، در متن یک سنت رشد می‌کند و فهم او شکل می‌گیرد که این شکل‌گیری از طریق زبان انجام می‌شود. (دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰، ۸۴). بر این اساس متن اصلاً معنای نهایی ندارد چرا که از این متن فهم‌های مختلفی بدست می‌آید که هر فهمی تابع شرایط خود است و این فهم‌ها هیچگاه نمی‌تواند یکی شود. بلکه می‌تواند به هم نزدیک شود و به تعبیر هرمنوتیک‌ها، هم‌افق شود. با قبول این که فهم سخن مؤلف مهم است، اما این باعث نمی‌شود که محدود به آنچه او قصد کرده بمانیم؛ بلکه می‌توان به ورای مقصود و نیت مؤلف سفر کرد.

حال با عنایت به پیش فرض های عامی که برای این نظریه بیان شد، درصدد طرح این نظریه با عنایت به پیش فرض ها و ظرفیت های خاص آن در قرآن هستیم:

۱. پیش فرض اول اینکه بر اساس این نظریه تعیین و وحدت معنایی متن بر محوریت قصد مؤلف (به فرض پذیرش) مخصوص کلام غیرالهی و سخنان انسان هاست؛ اما پویایی تفسیر در قرآن بدین معناست که دایره معنای مقصود در کلام الهی وسیع و متنوع است. مبنای این نظریه نیز آن است که خداوند به علم مطلق خویش به جمیع وجوه معنایی کلمات به کاررفته در عبارات خویش احاطه دارد، برخلاف انسان که زمانی که از عباراتی برای مقصود خویش سود می جوید، بر تمامی احتمالات معنایی آن عبارات اشراف و احاطه ندارد. از این رو معنای مقصود او محدودتر از معانی محتمله الفاظ وی است؛ اما درباره خداوند چنین نیست و به سبب اشراف علمی او به جمیع ظرفیت معنایی متن، هر آنچه مفسران از متن می فهمند، به شرط برخورداری از ضوابط تفسیری (نظیر آنکه مطابق با قواعد زبان است و الفاظ متن، متحمل آن معنا باشند و خالی از تناقض درونی است و با سایر آموزه های معتبر شرعی معارض نباشند)، همگی مراد و مقصود پروردگار خواهند بود. قاضی ابوبکر بن العربی در التقریب به این نظر گرایش دارد که اگر گوینده خدای عزوجل باشد، امکان دارد که لفظی از سوی او در آن واحد در دو یا چند معنا به کار رود؛ زیرا خدای تعالی می تواند با یک اراده همه آن معانی را قصد کند؛ ولی دیگران از چنین توانایی بی بهره اند (زرکشی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰).
۲. بر اساس پیش فرض دوم تکثر معنا و چندلایگی زبان، مؤید و مثبت تبیان بودن قرآن خواهد بود؛ زیرا اساساً قرآن که دارای واژگان محدودی است، زمانی می تواند «تبیان کل شیء» باشد که بتواند با کمترین الفاظ، بیشترین معانی را بیان و ابلاغ کند.

زیبایی نظام آفرینش از منظر قرآن کریم

با سیری در قرآن کریم عوامل و نشانه هایی را برای زیبایی می توان به دست آورد که از ویژگی های آفرینش الهی در نظام هستی به شمار می آید که از آن جمله است:

۱. **هدف مندی:** یکی از مبانی مهم زیبایی شناسی زبان قرآن، تأکید بر هدف مندی است؛ چون اساس دعوت قرآن، هدایت و دل دادن مخاطب به پیام های الهی و معنوی است. نمی توان زیبایی و هنرمندی را صرفاً در قالب های محدود مادی و هنری آن تعریف کرد. به عنوان نمونه درباره داستان های قرآن آن گاه که از بعد هنری آن سخن گفته می شود و محتوای این داستان ها در قالب عبارات زیبا برجسته می شود، به این معنا نیست که زیبایی آن در داستان سرایی و جلوه های ادبی و هنری آن موضوع زیبایی شناسی است، بلکه هدف از ذکر آن هدایت انسان و تأکید بر قدرت و توانایی بی نهایت پروردگار است.

۲. تناسب و توازن: نظام آفرینش بر اساس هندسه دقیق و منظمی بر پا شده است، این نکته را می توان در این آیات ملاحظه نمود: (أَنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ) (قمر، ۴۹) «ما مییم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم!» و خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (فرقان، ۲) «و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه گیری کرده است.» قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق، ۳) «به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است!» الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ (اعلیٰ، ۱-۳) «همان که آفرید و هماهنگی بخشید. و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود.»

۳. چیدمان منظم و زیبا: یکی از نشانه های مهم چیده شدن یا نظم و ترتیب است که در قرآن به گونه های مختلف ذکر شده است: وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا وَ آَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (حجر، ۱۵) «و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده ای در آن رویانیدیم.» عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنَدَسٌ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوًّا أَسْوَرَ مِنْ فِضَّةٍ (انسان، ۲۱) « [بهشتیان را] جامه های ابریشمی سبز و دیبای سبتر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است.» مَتَّكَيْنَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ (طور، ۲۰) « بر تختهایی ردیف هم تکیه زده اند.» فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ وَ نَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ وَ زُرَابٌ مَبْثُوثَةٌ (غاشیه، ۱۳-۱۶) « تختهایی بلند در آنجاست. و قدح هایی نهاده شده. و بالشهایی پهلوی هم چیده. و فرشهایی گسترده.» عُرْفًا تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (عنکبوت، ۵۸) «غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که از زیر آنها جویها روان است.»

۴. تنوع و تضاد: در عین وحدت و یک پارچگی که بر نظام آفرینش حاکم است، تنوع و گونه گونی حیرت آوری نیز حاکم است که در انواع جمادات، نباتات و حیوان و انسان قابل مشاهده است: «وَ فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٍ وَ جَنَاطٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَ غَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ (رعد، ۴) «و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می گردند.»

۵. تنوع زیبایی رنگ ها: تعدادی از آیات قرآن نیز به رنگ های گوناگون اشاره دارد. قرآن از رنگ سبز به عنوان نعمت و خرمی و رنگی بهشتی یاد کرده و فرموده است: عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنَدَسٌ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوًّا أَسْوَرَ مِنْ فِضَّةٍ (انسان، ۲۱) « [بهشتیان را] جامه های ابریشمی سبز و دیبای سبتر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده ای پاک به آنان می نوشاند.» و از رنگ زرد به عنوان رنگی شادی آور. خداوند می فرماید: أَنَّهُا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ (بقره، ۶۹) «آن ماده گاوی است زرد یک دست و خالص، که رنگش بینندگان را شاد می کند.» نمونه رنگ ها و تنوع آنها را می توان در سوره های نحل آیه ۱۳، فاطر آیه ۲۷ و ۲۸، زمر آیه ۲۱ ملاحظه نمود.

۶. پیراستگی از عیوب: پیراستگی از عیوب یکی دیگر از نشانه های آفرینش الاهی است، نکته ای که قرآن در سوره ملک در هنگامی که به زیبایی آسمان توجه می دهد ذکر می کند: *الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (ملک، ۳)* «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟». پیراستگی از عیوب در آیات دیگری از قرآن نیز تأکید شده است (خرقانی، ۱۳۸۷، ۱۱).

بررسی اصول زیبایی زبان قرآن

الف: انسجام دستوری: حسن و انسجام دستوری متن به عملکرد سازه های دستوری زبان مربوط می شود و نمونه هایی نظیر ارجاع، جایگزینی و حذف را در برمی گیرد. طبعا تفسیر برخی از عناصر، به عنصری دیگر بستگی دارد. این عناصر که عناصر ارجاعی نامیده شده میهم اند و معنای آنها تنها با کشف مرجع آنها مشخص می شود. در زبان عربی ضمائر، اسم اشاره و موصول از عناصر ارجاعی به شمار آمده و سبب ایجاد انسجام بین عبارات می شوند، البته ارجاع به دو گونه برون متنی (موقعیتی) و درون متنی تقسیم می شود. در ارجاع برون متنی، مرجع در خارج از متن حضور دارد و از آنجا که متن را به سیاق موقعیتی پیوند می دهد، در آفرینش متن مشارکت دارد؛ اما مستقیماً در انسجام آن مشارکت ندارد؛ درحالی که ارجاع درون متنی، نقش سازنده ای در انسجام متن دارد و از همین رو پژوهشگرانی مانند هالیدی و حسن آن را معیار دانسته و اهمیت بسزایی برای آن قائل اند (خطابی، ۱۳۹۱، ۱۷).

ارجاع بدیهی ترین و شایع ترین عنصر انسجام در متن قرآنی است و شاید همین کثرت شیوع آن سبب شده که در بسیاری از مواقع از کارکرد بلاغی و هنری آن غفلت شده است؛ اما خداوند متعال که هیچ کاری بدون حکمت از او صادر نمی شود، هرگز در کتاب خود از کاربرد این ظرافت ها غافل نبوده و تنها انسان های دقیق بین به این اسرار پی می برند. در ادامه برای تبیین ظرافت های مؤلفه ارجاع به آیاتی اشاره می شود، مانند آیات نخستین سوره نبا که از ارجاع برون متنی در آن استفاده شده: *(عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ. الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ)* (نبا، ۴-۱)، «در باره چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ از آن خبر بزرگ، که درباره آن با هم اختلاف دارند، نه چنان است، به زودی خواهند دانست». در این آیات، ضمائر و نشانه جمع (در *مُخْتَلِفُونَ*) از عناصر ارجاعی است که در عین پیوند دادن این چند آیه، مرجع آنها بیرون از متن است. در توجیه این ارجاع برون متنی طباطبایی معتقد است مرجع آن به گواهی سیاق سوره گروهی از کفار و مشرکان مکه بودند که نبوت و معاد را انکار می کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۵۷)، اما آلوسی با برشمردن چندین دلیل می نویسد، از جمله اینکه هدف خوارداشت و اهانت به آنان بوده است و خداوند متعال خواسته تا ساحت مقدس قرآن را از زشتی

و ننگ نام آنان مصون بدارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۲۰۲). البته دلیل دیگر محدود نکردن زمان و مکان به عصر پیامبر (ص) است و مرجع ضمیر در این واژه همه کسانی هستند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها معاد را انکار کرده‌اند؛ از این رو این مسئله تازه‌ای نبوده تا تنها ویژه کفار مکه باشد. دلیل آخر اینکه غرض اصلی آیه بیان ماهیت سؤال‌کنندگان نبوده؛ بلکه بیان ماهیت سؤال‌شده یعنی روز قیامت و بزرگ جلوه‌دادن آن است. آنچه دلیل اخیر را ثابت می‌کند، کاربرد لفظ «عم، به جای «عمّا» یا «عن ای شیء» است که با حذف و ادغام دو حرف در یکدیگر میم فشرده و پس از بیان لب بسته می‌شود. لفظ و انعکاس صوت مانند معنای لغوی، نمایاننده پیچیدگی و مرمرز بودن استفهام شده است» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴) که حکایت از عظمت و درک نشدن آن دارد.

اما گاهی نیز ارجاع از نوع درون‌متنی است و مرجع قبل و یا بعد از عنصر ارجاعی در متن ذکر می‌شود. ارجاع به دلیل اینکه کاربرد، متن را به قسمت‌های مختلف متن حواله می‌دهد، همین سبب ارتباط پاره‌های مختلف متن و درنهایت انسجام آن می‌شود. ارجاع درون‌متنی به ارجاع به ماقبل (پیشین) و ارجاع به مابعد (پسین) تقسیم می‌شود. در قرآن کریم عموماً و در سوره‌های مورد نظر به‌طور ویژه بیشتر از ارجاع به ماقبل استفاده شده مانند: (فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ. فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ. ثُمَّ أَدْبَرَ يَاسِعَىٰ. فَحَشَرَ فَنَادَىٰ. فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ. فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرَةِ وَالْأُولَىٰ) (نازعات، ۲۵ - ۲۰)

در این آیات نه مرتبه از ضمیر مفرد مذکر غایب استفاده شده که همگی به فرعون برمی‌گردد و در آیه هفدهم بدان اشاره شده لذا در توجیه کارکرد هنری ارجاع به ماقبل در این آیات شش‌گانه گفته می‌شود، خداوند متعال در این آیات چندین صحنه از داستان فرعون با حضرت موسی (ع) که عبارت‌اند از: نشان دادن معجزه بزرگ (عصای) موسی (ع) به فرعون، تکذیب موسی و نافرمانی او، توطئه‌چینی علیه موسی، اعزام مأموران به شهرهای مختلف و احضار ساحران، اعلام خدایی خود و در پایان گرفتار شدن به عذاب دردناک دنیا و آخرت را به تصویر کشیده و چون هدف از آن متمرکز کردن ذهن خواننده بر اعمال قبیح فرعون در هر کدام از این صحنه‌ها بوده و درنهایت نتیجه اخلاقی که از داستان حاصل می‌شود و آن اینکه چنین اعمال طغیان‌گرانه‌ای از هر کس صادر بشود، چه فرعون باشد و چه هر کس دیگر به عذاب اخروی و دنیوی گرفتار می‌شود؛ بنابراین مرجع ضمیر را از قبل تعیین کرده تا از تشویش و پراکندگی ذهن خواننده در یافتن مرجع ضمیر جلوگیری و از همان ابتدا هر کدام از آن کارها را با فاعل مشخص در ذهن تجسم نماید تا شخصیت فرعون بهتر در ذهن مخاطب جاگیر شود. همچنین در آیات ۴-۲ مطففین نیز عناصر ارجاعی متعددی از ضمیر، اسم موصول و اسم اشاره مشاهده می‌شود: (وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ. الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ. وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ)، که همگی از نوع ارجاع به ما قبل و به واژه مطففین در آیه اول برمی‌گردند. طباطبایی سبب گزینش عنصر ارجاعی اسم اشاره اولئک، درباره مطففین را دور بودن

کم‌فروشان از رحمت خدا می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۹۷)، زیرا اسم اشاره معنای متعددی از قبیل تمییز مشارالیه به بهترین وجه، بزرگداشت و خوارداشت شأن او ... را افاده می‌کند که در اینجا در معنای اخیر به کار رفته است.

نمونه دیگر از این ارجاع را در همان آیات نخست سوره نبأ (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) می‌توان مشاهده نمود؛ به شرطی که استفهام نیز در زمره عناصر ارجاعی وارد شود؛ زیرا ارجاع، چنان که در تعریف آن آمده عنصری است که با اشاره به عنصری دیگر تفسیر می‌شود و استفهام نیز که به معنای پرسش از امری مجهول و مبهم است، با عنصری به نام جواب، تفسیر و تبیین می‌گردد. ارجاع در آیه نخست از نوع ارجاع به مابعد بوده و پیوند و انسجام دو آیه را سبب شده؛ زیرا خواننده به محض دیدن استفهام موجود در ابتدای آیه درمی‌یابد که صحبت از امری پراهمیت و بزرگ است و همین امر نیز او را به دنبال کردن آیات بعدی ترغیب می‌کند و بدین ترتیب بین دو آیه انسجام برقرار می‌شود. از ارجاع به مابعد در این دو آیه اهمیت و عظمت نمونه سؤال و توجه‌دادن مخاطب به اهمیت مسئله معاد برداشت می‌شود؛ زیرا رسم عرب بر این است که مسائل دارای اهمیت را ابتدا به صورت مبهم مانند قالب ضمیر شأن و در اینجا در قالب اسم استفهام آورده است تا توجه مخاطب را به اهمیت موضوع جلب و بدان ترغیب کند، سپس آن را تفسیر و تبیین نماید. چنین شیوه تعبیری تأثیری ماندگار در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که تا مدت‌ها در ذهن او باقی می‌ماند. طالقانی در ذیل آیه دوم می‌گوید: «النَّبِيُّ الْعَظِيمُ نمونه استفهام را توصیف می‌کند. آهنگ این جمله کوتاه که با حرکات فتحه پیش رفته است، ناگهان با حرکت کسره و میم بسته می‌شود، خود نشان‌دهنده عظمت و سکوت در برابر موصوف ما (در عمّ = عمّا) است» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴). فخر رازی نیز در ذیل تفسیر این دو آیه به نکته جالبی اشاره کرده که خالی از لطف نیست، او چنین ابراز می‌دارد که برای پرسش از ماهیت و حقیقت امور از مای استفهامیه استفاده می‌شود. اگر چیزی که با ((ما)) از او سؤال می‌شود، پدیده‌ای عظیم و فوق تصور و عقل بشری باشد، ابهامش زایل نمی‌شود و همچنان مجهول باقی می‌ماند؛ بنابراین کاربرد ((ما)) در چنین نمونه‌هایی، نظیر این آیه بر بزرگداشت شأن مسئول دلالت دارد که واقعه بزرگ و هولناک قیامت است (الرازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۶).

ب: جایگزینی: بعد از انسجام دستوری یکی از مؤلفه‌های انسجامی، فرایند درون‌متنی به معنای قراردادن عنصری در متن به جای عنصری دیگر است (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ۸۸). جایگزینی به اشکال مختلفی همچون جایگزینی اسمی، فعلی، جمله‌ای و بندی یا موضوعی در کلام نمود می‌یابد و از آن رو که ذهن خواننده را به ماقبل ارجاع می‌دهد، سبب ارتباط اجزاء مختلف کلام می‌شود. این مؤلفه اگر چه در قرآن به کار رفته؛ ولی گذشتگان به آن بی‌توجه و بی‌مهر بوده‌اند؛ درحالی‌که با تبیین آن می‌توان به نکات جالبی دست یافت. جایگزینی اسمی که در آن اسمی به جای اسم دیگر می‌نشیند،

در آیات متعددی از قرآن از جمله آیه ۲۹ سوره مطلقین: (إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ) مشهود است. در این آیه تا آیه ۳۲ همین سوره که روایت‌گر برخورد ناپسند کافران با ابرار در دنیاست، از ابرار و کافران نه به خود این الفاظ که با دو عبارت اسمی «الَّذِينَ آمَنُوا» و از کفار به «الَّذِينَ أَجْرَمُوا» تعبیر شده تا بفهماند که علت این تمسخر آنان مجرم بودنشان بوده؛ همان‌گونه که علت مسخره‌شدن ابرار، تنها ایمانشان بوده است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۳۹۵). در آیه ۳۴ سوره فوق الذکر (فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ) نیز از مجرمان در آیه ۳۲، به لفظ کفار تعبیر شده تا به حقیقت حال آنان رجوع شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۹۵).

چنین تعبیرهای زبانی نشان از لطافت و اوج دقت قرآن در به‌کارگیری واژگان دارد که آن را می‌توان از اسباب درماندگی عرب در معارضة با این کتاب الهی دانست. جایگزینی فعلی که در آن ماده «فعل» و صیغه‌های مختلفش، جایگزین فعل یا فعل‌های پیشین شده را تنها در آیه ۳۶ همین سوره (فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ. عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ. هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) (مطلقین، ۳۶-۳۴) می‌توان مشاهده نمود که در آن فعل «يفعلون»، جانشین چندین عمل از اعمال زشت کفار شده که در آیات پیشین آن از آن سخن به میان آمده است (رمضان النجار، ۲۰۰۶، ۲۰) طباطبایی در این باره می‌نویسد: یکی از آن افعال، مسخره‌کردن و خندیدن به مؤمنان بود و به این اکتفا نکرده‌اند و وقتی نزد هم‌فکران خود برمی‌گشتند، خوشحالی می‌کردند که من چنین و چنان کردم و تازه مؤمنان را گمراه می‌خواندند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۹۶). البته دربارهٔ گویندهٔ آیه ۳۶ که به دلالت سیاق، کلامی اخروی است، گوناگون سخن رفته است. برخی گوینده را مؤمنان ناظر به عذاب کافران می‌دانند که برای طعنه به یکدیگر می‌گویند: آیا آنها به کیفر کارهای انجام‌داده در دنیا رسیدند؟! برخی نیز گوینده را خداوند و عده‌ای دیگر فرشتگان می‌دانند (بهرام‌پور، ۱۳۹۱، ۵۸۹)؛ اما قدر مسلم آن است که فعل «يفعلون» در اینجا، عنصر جانشین بوده و آیه را به آیات (۳۲-۲۹) گره زده و یکی از کارکردهای جانشینی را محقق کرده و آن کوتاه‌کردن و زیباکردن متن است. در تبیین کارکرد هنری این جانشینی نیز گفته می‌شود که چون خداوند در آیات (۳۰-۲۹) گوشه‌ای از بزم شادی و سرور مؤمنان را به تصویر کشیده، بهتر آن دیده که این بزم روحانی با یادآوری کارهای ناپسندی که کافران در دنیا در قبالشان انجام می‌دادند، به کامشان تلخ نشود؛ بنابراین با گزینش ماهرانه و لطیف و به‌صورت ضمنی و کنایی به آن اعمال ناشایست اشاره کرده تا موجبات ناراحتی و آزرده‌گی خاطر بندگان مؤمنش در آخرت را فراهم نکند؛ جایی که محل تنعم و آسایش آنان است و غم و اندوه را به آنها راهی نیست.

از این نمونه می‌توان به جایگزینی جمله‌ای نیز که در آن کلمه یا عنصری جانشین یک یا چندین جمله می‌شود اشاره نمود که در نمونه‌های متعددی از قرآن به کار رفته است. بعنوان نمونه تنوین

عوض در آیه ۴ سوره زلزال (يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا) که جایگزین سه آیه قبل از خود: (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا. وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا) شده و از تکرار آنها جلوگیری کرده است. (رمضان النجار، ۲۰۰۶، ۲۰). از جانشینی موضوعی یا بندی نیز که کلمه یا عنصری مانند اسم اشاره، جانشین یک بند یا پاراگراف در کلام می‌گردد، می‌توان به آیه ۲۶ سوره نازعات: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى) اشاره نمود که به داستان حضرت موسی (ع) و فرعون در آیات (۲۵-۱۵) همین سوره اشاره دارد. لذا در پایان باید یادآور گردید که در قرآن جایگزینی جمله‌ای و بندی عمدتاً برای ایجاز و زیبایی آیات و نیز ایجاد انسجام بین آیات به خدمت گرفته شده‌اند.

ماهیت عینی و ذهنی زیبایی شناختی قرآن

ماهیت عینی یا ذهنی بودن زیبایی ها از دیدگاه قرآن از مباحث مهم و پایه ای است که خود می‌تواند معیار سنجشی برای استناد به این منبع باارزش باشد. آیات نورانی قرآن کریم، توصیف زیبایی شناسی بسیاری ارایه می‌کند که در طیفی لطیف از زیبایی های ظاهر و عینی به سمت زیبایی های باطن و ذهنی نظم دهی شده‌اند. با در نظر گرفتن تمامی آیات مذکور و سنجش کیفیت و ارزش زیبایی در هر کدام، سه مرتبه اصلی برای ماهیت زیبایی می‌توان متصور شد. در کنار این سه مرتبه زیبایی، زبانماهایی نیز وارد شده که مکرر در قرآن کریم به آن اشاره شده و آن عبارت است از زیبایی هایی که در عمل زیبایی نبوده بلکه نازیبایی است ولی این نازیبایی ها به سبب عوامل متعدد زیبا جلوه می‌کند. از جمله: وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام، ۴۳)، «و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است»، و خطاب حضرت لوط (ع) به قوم خویش که فرمود: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (عنکبوت، ۲۸)، «شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ یک از مردم زمین در آن بر شما پیشی نگرفته است».

بسیاری از آیات قرآن به توصیف زیبایی های سراسر آفرینش پرداخته ولی اسلوب قرآن در توصیف این زیبایی ها بیان حقایقی درباره آنها است. این کیفیت های زیبایی شناسی توسط چشم انسان قابل درک است و اولین مرتبه زیبایی را پدید می‌آورد. این زیبایی، بر مبنای آیات نورانی قرآن کریم، به مخلوق تعلق می‌گیرد و نشانه ای از قدرت آفریدگار در کل جهان هستی است. توصیفات عینی قرآن کریم زیبایی های جهان فانی مانند کوه ها (نحل، ۱۳)، آسمان و ستارگان (صافات، ۶)، باغ ها (نمل، ۶۰)، میوه های رنگارنگ (نحل، ۱۳) و ... را شامل می‌شود.

به هر تقدیر قرآن کریم برخی اصول ذهنی را برای ادراک عمیق زیبایی های جهان آفرینش ارائه داده است. پس تعالی، زیبایی مطلق است و چیزی فراتر از آن نیست. بر همین اساس نیز این اصول مقدمه دریافت و شهود است و منشاء شور ناشی از دریافتی که انسان را به وجد می‌آورد، اما این

زیبایی نیاز به ادراک عمیق دارد و دستیابی بدان مستلزم دستیابی به اصولی بنیادین است. اعمال مختلف در قالب فرمها و اعداد مقدس مانند هفت و چهل همه در این راستا است. در حقیقت ذات پاک الهی معنویت خدایی را با هنری مادی در هم می‌آمیزد تا محیط ایجاد شده سرشار از قداست و طهارت معنوی و جلوگاه والاترین دلبستگی‌های انسانی باشد.

کیفیت سوم ماهیت زیبایی عینی-ذهنی است. منظور از زیبایی عینی-ذهنی، کیفیتی خاص از تجربیات زیبایی‌شناسی است که آمیزه‌ای از زیبایی‌های ظاهری و ذهنیت دریافت‌کننده است؛ بنابراین می‌توان چنین تجربه زیبایی‌شناسی را نسبی دانست. در سوره بقره، آیه ۶۹، خداوند این کیفیت زیبایی‌شناسی را برای گاوی که دستور قربانی کردنش را به بنی اسرائیل داد ارائه نمود؛ آنجا که قرآن به زیبایی بیان می‌کند «قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنَهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ» گفتند: از پروردگار بخواه تا بر ما روشن کند که رنگش چگونه است؟ گفت: وی می‌فرماید: آن ماده گاوی است زرد یکدست و خالص که رنگش بینندگان را شاد می‌کند. در این آیه بعد عینی و ذهنی رنگ گاو با هم در نظر گرفته شده رنگ زرد زیبا، از سویی خود به گونه‌ای است که شادی برانگیز است از سوی دیگر نیازمند بیننده‌ای است که آن را نظاره کند.

در مقابل زیبایی‌های مطرح شده، برخی از اشارات، تعالی‌زیبانه‌هایی است که در دیدگان برخی، زیبا جلوه می‌کنند، اما این نازیبایی‌ها در عینیت خود زیبا هستند؛ اما ماهیت رفتاری و نحوه برخورد با آنان، سبب نازیبایی آنان شده است، همانند آنچه قرآن کریم از دلبستگی‌های آدمی گزارش کرده و در سوره آل عمران، آیه ۱۴، برخی از آنها را بر می‌شمرد: «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَقَالِ» «دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست».

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین ابعاد زیبایی‌شناختی قرآن کریم یکی از نشانه‌های زیبایی قرآن را انعکاس زیبایی‌های آفرینش و بیدار سازی حس زیبایی دوستی در مخاطبان قرآن دانسته و بر این نکته تأکید ورزیده که از ویژگی‌های ماهیت حس زیبایی‌شناسی در قرآن کریم این است که در بیان و بلاغت خویش به گونه‌ای اعجازین تصویر پردازی کرده تا آنجا که ضمیر ناخودآگاه مخاطب را برمی‌انگیزد. زیبایی‌های جهان آفرینش ودیعه‌ای نهاده از خدای زیبایی‌هاست. زیبایی‌های این جهان انعکاسی از زیبایی‌های ذات پاک الهی است که با شناخت درست آن می‌توان

بینش و جهانبینی خود را به سمت مفاهیم و آموزه های ناب الهی تغییر داد. تاریخچه مطالعات زیبایی شناسی نشان می دهد که نظریه پردازان چهارچوب های متنوع و گوناگونی را پیشنهاد داده اند که هر کدام مبتنی بر ماهیت تفکر فلسفی حاکم بر آن است. به همین دلیل نیز هر نگرش بخشی از واقعیت را استنتاج و ارایه کرده است. این درحالی است که در نگرش اسلامی قرآن پیامی الهی است که از هر حیث کامل و جامع است. براین مبنا نیز چارچوب زیبایی شناسی ارایه شده در آن بی کم و کاست و در اوج کمال است.

منابع

قرآن کریم

الوسی، محمود بن عبدالله (بی تا)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۸.

اسعدی، محمد، *سایه ها و لایه های معنایی*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۸۵.

ایازی، محمدعلی، *اصول و مبانی زیبایی شناسی قرآن کریم*، ۱۳۸۵ ش

بهرامپور، ابوالفضل، *تفسیر یک جلدی مبین*، قم، انتشارات آوای قرآن، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.

حسن، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه های قرآنی)، شماره ۱۱، سال هشتم زمستان ۱۳۸۷ش.

خطابی، محمد، *لسانیات النصّ (مدخل إلى انسجام الخطاب)*، بیروت، المرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۱م.

الرازی، فخرالدین محمد، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

رمضان النجّار، نادیة، *علم اللغة النصّی بین النظریة والتطبیق، الخطاب النبویة نموذجاً، علوم اللغة، العدد الثانی، المجلد الثانی، ۲۰۰۶م.*

زبیدی، محمد مرتضی بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.

زرکشی، بدرالدین، *البحر المحیط*، تحقیق لجنة من علماء الازهر، بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۴.

سیدی سید حسین و خلف، حسن، *تحلیل زیبایی شناختی تصویرهای هنری در قرآن (مطالعه موردی سوره فصلت)*، مجله پژوهش های ادبی قرآنی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.

شاکر، محمد کاظم، «*مدل های چندمعنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس*»، پژوهش های فلسفی - کلامی، زمستان، شماره ۳۸، ص ۱۲۲، ۱۳۸۷.

شهبازی، محمود و شیرازی، نرگس، *بازتاب لطافتها و ظرافتهای زبانی و ادبی قرآن در ترجمه*، مجله پژوهشهای ادبی قرآنی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.

طالقانی، سیدمحمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.

طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش.

طیب حسینی، سید محمود، چند معنایی در قرآن کریم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

فتوحی، محمود، سبک‌شناسی، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش.

فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن کریم، تهران، دارالقران الکریم، ۱۴۱۵ق.

مطیع، مهدی، معنای زیبایی در قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ش.

موسوی لری، اشرف السادات و باقوتی، سپیده، زیباشناسی کلام و حیانی قرآن کریم، مجله جلوه هنر، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

هوی، دیوید کوزنز، حلقه انتقادی، ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵ش.

Halliday, M. A. K., and Hassan., R., Cohesion in English, London, Longman.1976.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: طاهری گندمانی محمد، حاجی اسماعیلی محمدرضا، مطیع مهدی، واکاوی تاثیر وجوه زیبایی شناختی قرآن بر هدفمندی پیام های وحیانی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۴۲۰-۴۰۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی